

## در گذرگاه شب

دربارهٔ اعتراضات دی ۱۴۰۴

این مقاله را پیش از ۹ اسفند ۱۴۰۴ نوشته بودیم و اگر اینترنت قطع نمی‌شد، پس از ویرایش نوشته، باید در همان زمان جنگ منتشرش می‌کردیم. اما جنگ و پیامدهای حاصل از آن کار و ویرایش مقاله را تا اکنون به تأخیر انداخت —مقاله‌ای که به نظر ما به رغم جنگ همچنان انتشارش ضرورت داشت. آنچه در این مقاله آمده بدون توجه به جنگ اخیر و تبعات آن نوشته شده و هیچ گونه تغییری در محتوای آن داده نشده، زیرا به باور ما خطوط کلی مطرح شده در مقاله حتی پس از جنگ نیز معتبر است. سرانجام اینکه نوشتن دربارهٔ جنگ اخیر و پیامدهای داخلی و جهانی آن خود مجال دیگری می‌طلبد، که امیدواریم در آینده چنین فرصتی دست دهد.

### تب دلار

افزایش نرخ دلار در دی‌ماه ۱۴۰۴ اعتراض کسبه و بازاری‌ها را، به‌ویژه در تهران، در پی داشت و اولین اعتراضات در ۷ دی صورت گرفت. در ۸ دی، علاوه بر تهران، در قشم برخی از کسبه دست به اعتراض زدند و پس از غروب آفتاب در ملارد و همدان اعتراض‌های شبانه برگزار شد، که با شعارهای ضد حکومتی همراه بود. در همین شب، برخی از دانشجویان دانشگاه تهران در کوی دانشگاه در حمایت از اعتراض کسبه و بازاریان تجمع کردند. در این حین، در برخی شهرهای کوچک در استان‌هایی چون ایلام، فارس و لرستان اعتراضاتی درگرفت، که غالب این شهرها و استان‌ها آنهایی بودند که درصد بیکاری در آنها زیادت‌ر بود و فقر در آنها جولان می‌داد. بلافاصله این اعتراضات به خشونت کشیده شد. ضمناً، با کشته شدن چند نفر از قوم‌ها و روستاها اعضای آن به خون‌خواهی بلند شدند و چرخهٔ خشونت بیشتر و بیشتر شد تا جایی که در استان‌هایی چون ایلام و کرمانشاه درگیری‌های مسلحانه رخ داد. جمهوری اسلامی اعتراضات در شهرهای کوچک را سرکوب کرد. اما پاسخش به اعتراض کسبه و بازاریان طور دیگر بود: پزشک‌یان در ۹ دی ۱۴۰۴ در دفتر ریاست جمهوری با نمایندگان اصناف، بازاریان و فعالان اقتصادی دیدار کرد، که «در پایان نشست دولت و مجلس به منظور حمایت از اصناف، بازاریان و فعالان اقتصادی کشور چهار تصمیم گرفته شد»: تعلیق اجرای الزامات سامانهٔ مؤدیان مالیاتی برای اصناف، توقف اعمال مالیات بر ارزش افزوده برای اصناف، تعلیق جرایم مالیاتی اصناف و بازاریان و توقف الزامات جدید در درگاه ملی مجوزها برای اصناف و بازاریان هر یک به مدت یک سال.<sup>۱</sup> علاوه بر این، رئیس کل بانک مرکزی تحت فشار وارد شده استعفا کرد و در ۹ دی خبر غیر رسمی تغییر او مخابره شد. تا اینجا،

---

۱. «۴ تصمیم مهم دولت و مجلس برای حمایت از اصناف و بازار»، اتاق اصناف ایران، ۹ دی ۱۴۰۴.

جمهوری اسلامی در طول حدود یک هفته تا ده روز اعتراضات توانسته بود اعتراضات را در هر شکلش کنترل کند و نگذارد از دستش خارج شود. اما با فرارسیدن ۱۸ و ۱۹ دی در پی فراخوان رضا پهلوی اعتراضات رنگ دیگری گرفت.<sup>۲</sup>

## زمینه‌سازها

سه عنصر مشخص را می‌توان تشخیص داد که در کنار هم موجب شدند جرعه اعتراضات زده شود و ما در اینجا اشاره کوتاهی به آنها می‌کنیم. اول، حکومت سرمایه‌داری در ایران است، که به ایدئولوژی بازار آزاد و تحکیم مداوم آن چسبیده و با سیاست‌های بازارگرا و سرمایه‌دارانه خود جان توده‌های فقیر را به لب رسانده است. این سیاست‌ها حق ایجاد تشکل مستقل کارگری را از کارگران سلب کرده، دستمزد ایشان را به کمینه بازه خود رانده، سن بازنشستگی را افزایش داده، با ناکارآمد کردن بیمه‌های پزشکی سیه‌روزی آنان را دوچندان کرده، کارگران و خانواده‌هایشان را از آموزش مناسب محروم ساخته، صاحب خانه شدن را به آرزویی محال و امنیت شغلی را به خاطره‌ای دور بدل کرده است. اینها همه در حالی است که غالب اعتراضات کارگری حول مسئله دستمزد است، از جمله دستمزدهای معوقه، و کارگران برای برآوردن همین خواسته‌های حداقلی نیز هزینه‌های گزافی چون اخراج و بازداشت شدن را متحمل شده‌اند. رویکرد حکومت سرمایه‌داری ایران همواره بر گرد سرکوب اعتراضات کارگری چرخیده است. دوم، عناصری در سازوکار اقتصاد ایران فعال‌اند که با عنوان «تراستی»<sup>۳</sup> آنها شناخته می‌شوند. وجود تراستی‌ها حاصل تحریم کشورهای غربی و تفوق سرمایه‌داری نئولیبرال بر ایران است. در واقع، وجود تراستی‌ها بخشی از سیاست سرمایه‌دارانه ضد تحریمی است. تراستی‌ها با فروش نفت و غیره و آوردن یا نیاوردن ارز آن به کشور در چگونگی گردش ارز در بازار تأثیر دارند و ممانعت اینها از توزیع ارزهایشان بازار را ملتهب می‌کند. تراستی‌ها عامل و واسطه صادرکنندگان‌اند. در کنار آنها واردکنندگان قرار دارند. واردکنندگانی که ارز ترجیحی (ارزی با قیمت پایین‌تر از بازار) می‌گیرند، در واقع، یا محصولات مد نظر را وارد کشور می‌کنند و آن را با قیمت ارز بازار می‌فروشند یا با ارزی که مثلاً برای خرید کالایی ضروری می‌گیرند گوشی‌های تلفن همراه وارد می‌کنند و سود هنگفتی از این کار می‌برند یا اینکه اصلاً جنسی وارد نمی‌کنند و ارز را به جیب می‌زنند. ارز ترجیحی ابزاری بود

---

۲. شایان ذکر است که رضا پهلوی در روزهای دیگری نیز از مردم خواسته بود برای سقوط حکومت به خیابان بیایند، از جمله در ۸ و ۹ و ۱۲ دی، اما در این روزها و روزهای بعدش اتفاقی همچون ۱۸ و ۱۹ دی نیفتاد. اتفاقات این دو روز را باید فراتر از فراخوان پهلوی و حضور هوادارانش دانست. البته، در این مقاله قرار نیست به این موضوع بپردازیم.

۳. trustee: در لغت به معنی «امین» و «امانت‌دار» و همچنین «قیمت» و «سرپرست» است. تحریم‌ها (به‌ویژه تحریم‌های پولی و بانکی) موجب می‌شود کشور تحریم‌شده نتواند محصولات و دارایی‌اش را قانونی مبادله کند. یکی از راه‌های دور زدن تحریم‌ها استفاده از سازوکار تراست است. این سازوکار بدین صورت است که شخص یا نهادی (تراستی) مالک قانونی دارایی می‌شود، اما موظف است آن را برای شخص دیگری و بر اساس دستورالعمل مشخصی اداره کند؛ مثلاً، بابت زنجانی موظف می‌شود بشکه‌های نفت ایران را به نام و مالکیت خود بفروشد و پول را به ایران منتقل کند (که خیلی از آنها از این شرایط سوء استفاده کرده‌اند و بخش زیادی از پول‌هایی را که باید در حساب دولت برود به ایران بازگردانده‌اند). ن.ک.: هادی کهوللی، «دوگانه؛ دورزدن تحریم و فسادهای بزرگ»، شرق، ۱ آذر ۱۴۰۴.

برای مقابله با اثرات تحریم بر معیشت توده‌های مردم اما به روشی که تا مغز استخوان سرمایه‌دارانه بود: سپردن نیازهای اساسی جامعه به پیمانکاران. اکنون، حذف آن و تدبیر برای معیشت مردم نیز به شیوه کاملاً سرمایه‌دارانه و از نوع هار آن (نئولیبرالی) صورت گرفته است. از یک سو، تک‌نرخ شدن ارز و احتمالاً ایجاد کانال‌های جدید و رسمی مبادله با چین عملاً تراستی‌ها را از دور خارج می‌کند. از سوی دیگر، حذف ارز ترجیحی به منافع واردکنندگان ارز ترجیحی‌بگیر آسیب می‌زند. در این بین، گروهی که بیشترین نفع را از افزایش نرخ ارز و تک‌نرخ کردن آن می‌برند صادرکنندگان عمده صنعتی‌اند، مثل پتروشیمی‌ها. ترجیح منفعت خصوصی بر منفعت جامعه و اثرات آن (یعنی، افزایش شدید قیمت مایحتاج توده‌های مردم و اعتراضات پیامد آن) - که در وضع کنونی ایران فقط به کمک سلطه مطلق ایدئولوژی بازار آزاد دوام یافته - آن‌چنان خانمان‌برانداز است که در نظر برخی ناظران حیران یا نگران چونان توطئه‌ای بزرگ جلوه می‌کند، طوری که پس از وقوع اعتراضات مبتنی بر همین توطئه می‌گویند تراستی‌ها یا برخی از آنها با امریکا و اسرائیل در هماهنگی بوده‌اند. این ناظران متوجه نیستند با انباشت فقر در یک سو و انباشت ثروت در سوی دیگر چنین اعتراضاتی خواه‌ناخواه درمی‌گیرد و بستر آن برآمده از سازوکار سرمایه‌داری است. سوم، تحریم‌های اقتصادی امریکا و کشورهای غربی - که با هدف فلج کردن اقتصاد ایران و فروپاشی آن اعمال شده - وضعیت معیشتی توده‌های کارگر و زحمت‌کش را به شدت تحت تأثیر قرار داده، طوری که فقر در ابعاد وسیعی گسترش یافته و جان توده‌ها را به لب رسانده است. افزون بر این، این تحریم‌ها به این قصد اعمال شده که دسترسی ایران را به نظام مالی بین‌المللی قطع کند.<sup>۴</sup> کاهش ارز خارجی به واسطه تحریم‌ها موجب کاهش عرضه ارز در برابر تقاضای آن شده و تأثیر مستقیمی نیز در کاهش ارزش پول ملی داشته است.<sup>۵</sup>

## از دی تا دی

پس از دوران خون‌بار دهه شصت، جمهوری اسلامی با تثبیت حکومت ملی بورژوازی خود راهبرد عام غرب‌گرایی را در پیش گرفت و از آن زمان به بعد تا لحظه وقوع اعتراضات دی ۹۶، صحنه سیاست ایران در تسخیر جنبش دموکراسی‌خواهی بود. از زمان برآمدن اصلاح‌طلبی در خرداد ۷۶ تا فروکش کردن جنبش سبز در انتهای دهه هشتاد و سپس از آنجا تا انعقاد برجام، کشاکش اصلی در مرکز صحنه سیاست ایران همواره بر سر انضمام سرمایه‌داری ایران به نظم سیاسی و اقتصادی‌ای بود که امریکا

---

۴. «وزیر دارایی آمریکا: هدف تحریم‌ها فروپاشی اقتصاد ایران است»، بی‌بی‌سی فارسی، ۱۶ اسفند ۱۴۰۳.

۵. فقط ایران نیست که تحت تحریم امریکاست، اما کاهش شدید ارزش پول ملی در تمام کشورهای تحت تحریم دیده نمی‌شود. سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در افزایش نرخ ارز خارجی یا مهار این افزایش دارد. محض نمونه، می‌توان به روسیه اشاره کرد که در طول جنگ با اوکراین و تحت تحریم‌های شدید غرب ارزش پول ملی‌اش دچار کاهش شدید نشد. غرض اینکه حتی تحت نظام سرمایه‌داری نیز مانند روسیه می‌توان سیاست‌هایی در پیش گرفت که مانع کاهش شدید ارزش پول ملی شود.

در سطح جهانی رهبری اش می‌کرد. این نزاع در جهان مفاهیم به صورت کشاکش میان دموکراسی و تمامیت‌خواهی بیان پیدا می‌کرد و آرایش نیروهای سیاسی و اجتماعی نیز از نظر ایدئولوژیک و طبقاتی در تناسب با چنین نزاعی شکل می‌یافت. اما اعتراضات دی ۹۶ از تمامی این جنبه‌ها مستثنا بود. کارگران، زحمت‌کشان و توده‌های فقیر به‌تنگ آمده، که سال‌ها بغض جمعی خود را فروخورده بودند، طغیان کردند و این طغیان با اعتراضات دموکراسی‌خواهانه و امپریالیستی پیش از آن، از جمله جنبش سبز، متفاوت بود. نه محتوای سیاسی آن در تداوم آن نزاع مألوف و آشنا بود، نه شعارها و نه توده‌های مردمی که به خیابان آورد. اهمیت تعیین‌کننده اعتراضات دی ۹۶ نیز در همین ویژگی نهفته بود که عرصه جدیدی در پهنه سیاست ایران گشود؛ گفتی، واحه‌ای برای گذر از بیابان به جلگه بود و از این بابت است که این واقعه خبر از ورود مؤلفه‌ای نوین به صحنه سیاست ایران می‌داد. مؤلفه جدیدی که کلیت مبارزه طبقاتی را دستخوش تغییر کرد.<sup>۶</sup> از دی ۹۶ و در پی آن، آبان ۹۸، نیرویی همچون طوفان در فضای سیاسی ایران برخاستن گرفت و این عرصه را دگرگون کرد. در پی آن، دموکراسی‌خواهی و کنش‌های حقوق بشری به زباله‌دان تاریخ فرستاده شد. گفتی مگاک در تاریخ دهان باز کرده و هر آنچه پیش از آن بود — لیبرالیسم جنبش دوم خرداد، ۱۸ تیر و جنبش سبز — در آن سوی مگاک باقی ماند و این سوی مگاک وضعیت نوینی پدید آمد، چیزی که هنوز لخته‌ای بی‌پیرایه بود.<sup>۷</sup> با این حال، برای اینکه صحنه سیاست از بقایای آن نزاع بر سر پیوستن به غرب (که کم‌کم داشت بلا موضوع می‌شد) روپیده شود، اعتراضات دی ۹۶ فاقد همه ابزار و لوازم ضروری بود. کوشش برای ساختن آن لوازم ضروری وظیفه‌ای بود بر دوش کمونیست‌ها که چنین خصلت متمایزی را در اعتراضات دی تشخیص داده بودند.<sup>۸</sup>

اما دی ۹۶ چه تأثیری در پراتیک کمونیستی داشت؟ اصول سیاست کمونیستی بر مبارزه طبقاتی و انقلاب اجتماعی بنا شده است. استراتژی آن سازمان‌دهی توده‌های کارگر به منظور پیشبرد مبارزه طبقاتی و انقلاب اجتماعی است، که در این وهله برای کار در جنبش کارگری آن را کار حوزه‌ای نامیدیم، یعنی تقویت اتحاد و هم‌بستگی و سازمان‌یابی کارگران در محل کار. این اصول و این استراتژی، بسته به توازن قوای طبقاتی، تاکتیک‌های متناسبی می‌طلبد. دی ۹۶ تأثیر ماهوی در این تاکتیک‌ها نداشت اما فضای کار کمونیست‌ها را مهیاتر از پیش ساخته بود؛ یعنی، مسئله سیاست در سطح جامعه و در میان توده‌ها اکنون از اینجا آغاز می‌شد که «علت و خامت فزاینده وضع معیشت چیست؟» و «برای مقابله با این وخامت فزاینده چه می‌توان کرد؟». چنین پرسش‌هایی می‌توانست آغازگاه مناسبی برای توضیح و تبیین سازوکار استثمار سرمایه‌داری و ریشه‌های رنج روزافزون کارگران و زحمت‌کشان باشد. به طور کلی طرح مطالبات معیشتی در عرصه سیاست محیط را برای ارتقای آگاهی طبقاتی و طرح بحث‌های

۶. ر.ک.: خسرو خاکبین، «مبارزات کارگران: استراتژی‌ها و تاکتیک‌ها»، نشر مجازی، آذر ۱۳۹۷؛ محمدرضا حنانه، «بلشویک‌ها و وظایف کنونی (درباره اعتراضات اخیر)»، نشر مجازی، دی ۱۳۹۶.

۷. خسرو خاکبین، «یک پرچم در سه اپیزود»، نشر مجازی، خرداد ۱۳۹۹، ص ۶.

۸. پیش‌تر به ابزارها و لوازم ضروری نبرد اشاره کرده بودیم. ر.ک.: محمدرضا حنانه، «بنزین و مبارزه اقتصادی کارگران»، نشر مجازی، آذر ۱۳۹۸، ص ۵-۷.

مساعداً برای این ارتقا فراهم می‌کرد. این امکان بالقوه‌ای بود که در محیط پس از اعتراضات دی ۹۶ در دسترس کمونیست‌ها و پیشروان طبقه کارگر قرار داشت.

درباره دی ۹۶، پیش‌تر گفته بودیم که بدون اینکه خواست‌های فوری در پیوند با هدف نهایی (مبارزه طبقاتی) قرار بگیرد، یقیناً تبدیل به سلاحی در دست بورژوازی بر ضد پرولتاریا خواهد شد. پیوند میان خواست‌های فوری و هدف نهایی بی آنکه توده‌ها امپریالیسم را طرد کنند رخ نمی‌داد، امپریالیسمی که مانعی جدی برای برقراری این پیوند بود. به این معنا بود که این اعتراضات را «خیزشی کور» نامیدیم<sup>۹</sup> و همچنین خیزشی بی‌پیرایه بود، زیرا «افق و برنامه بورژوایی یا امپریالیستی [برای آن] متصور نبودیم». <sup>۱۰</sup> به عبارت دیگر، این اعتراضات هنوز نماینده سیاسی مشخصی پیدا نکرده بود که افق و برنامه امپریالیستی مشخصی بر آن مستولی شود. بنابراین، اعتراضات دی ۹۶ خطری نیز همزاد آن امکان پیش‌گفته به همراه داشت: پیوند خوردن اعتراضات معیشتی با تقلاي اپوزیسیون غرب‌گرای چپ و راست. به بیان دیگر، این خطر وجود داشت که اپوزیسیون منحنی چپ و راست هدایت ایدئولوژیک و عملی چنین اعتراضاتی را به دست گیرد و آنها را اهرم براندازی امپریالیستی قرار دهد یا به سمت انهدام اجتماعی بکشانند. هرچه از دی ۹۶ بیشتر گذشت، زمینه‌های براندازی به شیوه‌های متعارف کم‌رنگ‌تر شد و اپوزیسیون شکل نیروی زمینه‌ساز و آغازگر فرایند انهدام اجتماعی را به خود گرفت.

چنان که اشاره شد، محتوای جنبش دموکراسی‌خواهی چیزی جز ادغام ایران در نظم جهانی لیبرال به سرکردگی امریکا نبود و در نتیجه توش‌وتوان آن به قوت زمینه‌های مادی و چشم‌انداز سیاسی این ادغام وابسته بود. انعقاد برجام در ۱۳۹۴ را می‌توان نقطه فرازین فواره راهبرد عام غرب‌گرایی در ایران دانست. این بالاترین سطح دستاوردی بود که این راهبرد تا آن لحظه کسب کرده بود و، دقیقاً به همین سبب، محدودیت‌های خود را عیان کرد. هم محدوده برجام، که توافقی منحصر به مسئله هسته‌ای بود، و هم تحقق نیافتن نتایج موعود آن، هر دو نشان داد برجام نه اولین گام برای آشتی تمام‌وکمال با امریکا بلکه آخرین آزمون ناموفق راهبرد غرب‌گرایی است. با این حال، چنین درکی از توان فهم نیروهای سیاسی غرب‌گرا و خرده‌بورژوازی پیاده‌نظام آن بسیار دور بود. در حالی که آنها تا اوایل ۱۳۹۷ در جلسه برجام و تداوم دولت روحانی و چشم‌انتظار برجام‌های بعدی بودند، زمین زیر پایشان سست و لرزان شده بود. اولین لرزه‌ها هنگامی احساس شد که در اردیبهشت ۱۳۹۷ امریکا یک‌طرفه از برجام خارج شد. اما بورژوازی ایران به اندازه پیاده‌نظامش بنده ایدئولوژی نبود؛ او بیشتر بنده سرمایه بود. برای بورژوازی ایران، که از سال‌ها پیش بند نافش از بازارهای صادرات و واردات غربی بریده شده بود، خروج امریکا از برجام برهان قاطعی بود بر ضد راهبرد عام غرب‌گرایی و به نفع در پیش گرفتن مسیر تازه‌ای که با اقتضانات تحولات جهانی و نقش بورژوازی ایران در آن صحنه سازگار

۹. ر.ک.: محمدرضا حنانه، «بلشویک‌ها و وظایف کنونی (درباره اعتراضات اخیر)»، همان.

۱۰. روزبه راسخ، «تحکیم سنگرها»، نشر مجازی، تیر ۱۴۰۱، ص ۱۹.

باشد. به این ترتیب، جنبش دموکراسی خواهی سر خود را از دست داد و به نیرویی فاقد هر گونه چشم انداز سیاسی و اجتماعی ممکن بدل شد. افزون بر این، مشروعیت لیبرالیسم در سطح جهانی از دست رفته بود و این موجب شده بود جنبش های دموکراسی خواهی توش و توان خود را از کف بدهند. اکنون بقایای جنبش دموکراسی خواهی به همان مسیر سابق می رفت، با این تفاوت که آن مسیر سابق دیگر به مقصدی ختم نمی شد. از این پس، دموکراسی خواهی منفعت هیچ طبقه ای از درون جامعه ایران را نمایندگی نمی کرد و این ویژگی خصلت نمای آن پدیده ای است که فالانژیسم می خوانیم. فالانژیسم — که استحاله یافته جنبش دموکراسی خواهی است و دیگر در سطح سیاسی طبقه ای را نمایندگی نمی کند — انگل وار رشد کرد و خصلت هایی که در نطفه قرار داشت بالیدن گرفت و اکنون به پدیده ای نامتعارف تبدیل شده است که در آن نه خبری از دموکراسی است، نه خشونت پرهیزی و نه حتی خوی انسانی.

انتظار می رفت در «دوران کوتاه تغییر» — فاصله میان تثبیت شدن راهبرد عام جدید بورژوازی تا گردن نهادن خرده بورژوازی مدرن به این چرخش — اپوزیسیون سرنگونی طلب بکوشد به هر وسیله رهبری بقایای جنبش دموکراسی خواهی را به دست گیرد و اعتراض و خشم توده های به جان آمده دی ۹۶ و آبان ۹۸ را به آن پیوند زند. قدری طول کشید تا اپوزیسیون چپ و راست — همچنین پسرعموهای اصلاح طلبشان — بفهمند اعتراض فرودستان چه ربطی به آنها دارد و رخت سیاه کشتگان آبان ۹۸ را بپوشند، اما با خرده بورژوازی مدرن چنین دردسری وجود نداشت.<sup>۱۱</sup> پس از اعتراضات به سقوط هواپیمای اوکراینی، اعتراضات پاییز ۱۴۰۱ اولین فرصت مهم عرض اندام جفت جدید «اپوزیسیون — پیاده نظام جنبش دموکراسی خواهی» بود. در آن واقعه نیز اثری از پیوستن فرودستان به این جفت نبود، اما نشانه های آنچه فالانژیسم نامیدیم هم در سطح رهبری اپوزیسیون و هم در بدنه آن به روشنی دیده می شد.

باری، امروز آنچه خصلت نمای شورش های دی ۹۶ و آبان ۹۸ بود — یعنی، سر بر آوردن خواسته های معیشتی و به در انداختن جنبش دموکراسی خواهی — همچنان برقرار است؛ اکنون هنوز مسئله معیشت برای توده ها اولویت دارد و دیگر خبری از دموکراسی خواهی نیست (فقط فالانژیسم است که جولان می دهد). گفتیم ظهور مطالبات معیشتی در عرصه سیاست در دی ۹۶ محیط مساعدتری برای ارتقای آگاهی طبقاتی فراهم کرد و این امکان همچنان وجود دارد، زیرا مسئله معیشت دیگر به فضای سیاسی ایران راه یافته است و نمی توان به راحتی آن را از صحنه به در کرد. بنابراین، آن مؤلفه نوین هنوز کار می کند و امکان برآمده از آن همچنان برقرار است؛ یعنی، همچنان این امکان هست که راهکارهای خود را در جدالی سیاسی به توده های مردم عرضه کنیم.

---

۱۱. برای مطالعه درباره اپوزیسیون فالانژ ایران، این نوشته روشنگر است: پوریا سعادت، «انتخابات مجلس، جنگ و تغییر آرایش دولت در ایران»، نشر مجازی، شهریور ۱۳۹۹.

اما از دی ۹۶ تا دی ۱۴۰۴ تغییراتی نیز صورت گرفته است. در دی ۹۶، هنوز هیچ نیروی سیاسی بورژوازی نتوانسته بود مهر ایدئولوژی بورژوازی را بر اذهان مردم به تمامی بزند؛ توده‌های معترض، توده‌های کارگر و زحمت‌کش، هیچ نیروی سیاسی بورژوازی را حلال مشکلات خود نمی‌دانستند. اما در اعتراضات دی ۱۴۰۴ (که تا حدی و نه تماماً خاستگاه معیشتی داشت) دیدیم معترضان به تمامی زیر پرچم نیروی سیاسی ای قرار گرفتند که بورژوازی و امپریالیستی است؛ دیگر بسیاری از توده‌های به‌ستوه‌آمده تحت لوای نیروی سیاسی مشخصی درآمدند و این نیرو کنترل اذهان این توده‌ها را در دست داشت. بدین ترتیب، در دی ۱۴۰۴، توده‌های معترض دنباله‌رو پلیدترین نیروی سیاسی بورژوازی شدند و در دام فالانژیسم افتادند. وجه تمایز تعیین‌کننده دی ۹۶ و دی ۱۴۰۴ از دید ما در همین سیطره یافتن نیروی سیاسی بورژوازی و امپریالیستی بر توده‌های معترض است.

از دی ۹۶ تا اعتراضات ۱۴۰۱ اپوزیسیون جمهوری اسلامی تلاش می‌کرد اعتراضات معیشتی را با فالانژیسم پیوند زند، اما ناموفق بود. سرانجام در دی ۱۴۰۴، به کمک فشار تحریم‌ها — که از مجرای سیاست‌های سرمایه‌دارانه مستقیماً به شانه‌های فرودستان منتقل می‌شد — انباشت سال‌ها تبلیغات بورژوازی و امپریالیستی در بستر شرایط جنگی سال ۱۴۰۴ نتیجه‌بخش شد. این تبلیغات به شکل‌ها و با زبان‌های گوناگون از تخطئه هر نوع تحول انقلابی و آرمان اجتماعی آغاز شد، هر دستاورد تاریخی طبقه کارگر ایران را در نظر خود او چون شکست و پسرفت جلوه داد و تا تقدیس نظام سلطنتی فروافتاده در انقلاب ۵۷ پیش رفت. البته این قسم از ارتجاع ابداً منحصر به اپوزیسیون نبود؛ هر بخشی از بورژوازی حاکم نیز، به رسم هر بورژوازی برآمده از انقلاب، به قدر وسع و همت خود در اشاعه این خرافات ارتجاعی نقش داشت و از آن سود برد. در هر دستگاه و تربیون ایدئولوژیک و رسانه‌ای که باریک شویم کمابیش رد پای این خرافات را پیدا می‌کنیم. اما آنچه می‌توانست سد راه نفوذ این تبلیغات و مانع پیوند خوردن خواست‌های اقتصادی و معیشتی کارگران و زحمت‌کشان به فالانژیسم شود حضور نیروی سازمان‌یافته فکری و مادی طبقه کارگر در صحنه جامعه بود. ناتوانی طبقه کارگر ایران (اعم از توده‌ها و پیشروان) در گشودن مسیر مبارزه‌ای مستقل و پیگیرانه بر ضد سرمایه‌داری و علیه مداخله امپریالیستی موجب شد توده‌های کارگر و زحمت‌کش در چنین بزنگاهی بی‌دفاع بمانند و دنباله‌رو ارتجاعی‌ترین نیروها گردند.

اکنون روند تحولات در ایران سرعت برق‌آسایی گرفته است، اما این تحولات به سمت خوشی نمی‌رود و با مداخله پیوسته کشورهای امپریالیستی هر روز به شرایط جنگ داخلی و خارجی نزدیک‌تر می‌شویم. تا پیش از این، توده‌ها در برابر گفت‌وگو با ما درباره مسائل معیشتی گشوده بودند، اما اکنون با تغییری که در اوضاع حاصل شده این گفت‌وگو دشوارتر از قبل شده است و دلیلش این است که پیش‌تر خود را ذیل نیروی سیاسی‌ای تعریف نمی‌کردند ولی اکنون ممکن است بلافاصله مسائل به این نیروی سیاسی و «راهکار»‌های دروغین پهلوی و امثال آن ختم شود. در دی و آبان و همچنین ۱۴۰۱ نیروهای اپوزیسیون از چپ و راست تلاش کردند اعتراضات معیشتی را با فالانژیسم پیوند دهند، که در این کار ناکام ماندند، اما الان چنین پیوندی برقرار شده است. در چنین اوضاعی، مداخله در وضعیت دشوارتر از پیش شده است.

تغییراتی که در اوضاع پدید آمده اصول، سبک کار، استراتژی و حتی بسیاری از تاکتیک‌های ما را دستخوش تغییر نمی‌کند، اما باید بدانیم در این اوضاع تلاش خود را بایستی دوچندان کنیم و با تمام توان خویش دست به رسواسازی اپوزیسیون سرنگونی طلب بزنیم. از آنجا که توده‌های معترض تحت لوای نیروی سیاسی بورژوازی و امپریالیستی قرار گرفته‌اند و وقایع خونین دی ۱۴۰۴ رخ داده، چگونگی پیشبرد این رسواسازی و ظرافت‌های این کار نیز تحت تأثیر این موضوع قرار گرفته است، ظرافت‌هایی که فقط از دل گفت‌وگو با توده‌ها و کار در میان آنها کشف می‌شود و نباید انتظار فرمول‌های حاضر و آماده را کشید. کمونیست‌ها اکنون نیروی تعیین‌کننده‌ای در صحنه مبارزه طبقاتی نیستند و در اوضاعی که هر آن ممکن است کشور به سمت جنگ داخلی یا خارجی برود نمی‌توانند مسیر تاریخ را دفعاتاً تغییر دهند، اما می‌دانیم تغییرات کوچک در وضعیت ممکن است صحنه را به کل تغییر دهد و تاریخ از این دست صحنه‌آرایی‌ها کم نکرده است. اگر امروز آماده نباشیم فردا که تغییرات از راه برسد باید نظاره‌گر از کف رفتن فرصت باشیم و حسرت بخوریم. مبارزه ما محدود به امروز و فردا نیست، بلکه تاریخی به درازای عمرمان دارد.

کسی که هنوز زنده است نمی‌گوید هرگز!

مطمئن مطمئن نیست

این گونه که هست این گونه نمی‌ماند.

وقتی که فرادستان حرف‌هایشان را زده‌اند

اکنون فرودستان لب به سخن می‌گشایند.

چه کسی جرئت می‌کند بگوید هرگز؟

تقصیر کیست اگر سرکوب پابرجا بماند؟ تقصیر ماست.

تقصیر کیست اگر سرکوب از هم بپاشد؟ باز هم ما.

هر که سرکوب شده به پا خواهد خاست!

هر که بازنده است بجنگد!

آن‌که شرایط را شناخته نمی‌توان جلودارش شد،

چرا که بازندگان امروز پیروزمندان فردايند.

و «هرگز» به هم‌امروز مبدل می‌شود.

برتولت برشت

محمدرضا حنايه

تیر ۱۴۰۵